

آموزش فا در کنفرانس فای بین‌المللی نیویورک بزرگ ۲۰۰۹

(لی هنگ‌جی ~ ۷ ژوئن، ۲۰۰۹)

[ترجمه پیش‌نویس]

صبح بخیر! (مریدان: صبح بخیر، استاد!)

شما سخت کار کرده‌اید! (مریدان: استاد سخت کار کرده است!)

بسیار خوشحال هستم که همگی شما را می‌بینم، چراکه همدیگر را بیش از یک‌سال ندیده‌ایم. (تشویق گرم) من از این که خیلی زیاد سخنرانی کنم عمداً اجتناب کرده‌ام، زیرا آگاه هستم که هر چه بیشتر درباره‌ی چیزی صحبت کنم، سختی بیشتری برای تزکیه‌تان خواهد آورد و عناصر نیروهای کهن در دسر بیشتری درست خواهند کرد. فا آموزش داده شده است، و استاد به شما گفته است که تا وقتی که با این فا در تزکیه ثابت‌قدم باشید، همه چیز متعلق به شما خواهد بود. این قطعاً این‌طور است، بنابراین تا وقتی که به‌طور جدی آن‌را مطالعه کنید، مانند این است که به‌طور مستقیم آموزش دهم. بنابراین با سبک و سنگین کردن این موضوع، تصمیم گرفتم که بهتر است با تکرار کمتری صحبت کنم، برای شما فرصت‌های بیشتری برای رشد بگذارم، تا به بینش‌های خودتان برسید، و مسیر خودتان را بیمایید. وقتی فا را به‌طور غیرمکرری آموزش می‌دهم، آنچه که مرا بیش از همه نگران می‌کند سختی‌ها یا آزمون‌های سختی که با آن‌ها مواجه می‌شوید و آگاه هستید که کاملاً سخت می‌باشد نیست. آن‌ها سخت‌ترین چیز نیستند؛ هرچه باشد، هرچه قدر سختی دشواری باشد، پس از این که به پایان آن برسید تمام می‌شود، و در آن مرحله مسائل برای شما روشن هستند. بلکه، به‌طور آرام تزکیه کردن در تنهایی خالی از امید، قادر نبودن به دیدن امید، از همه سخت‌تر است. انجام هر شکل تزکیه، مستلزم گذر از آزمایشی مانند این و مسیری با این ویژگی‌ها است. فقط اگر شخص بتواند ثبات قدم داشته باشد و به‌طور پیوسته به‌پیش برود، به منزله‌ی کوشا بودن واقعی است. راحت است که درباره‌ی آن صحبت کرد، اما به عمل گذاشتن آن فوق‌العاده سخت است. این دلیل آن است که چرا گفته می‌شود همیشه طوری تزکیه کردن که انگار تازه شروع کرده‌اید مطمئناً به رسیدن به نهایت مرتبه‌تان منجر می‌شود.

شما همگی دیده‌اید که در اجتماع امروزی چیزهای منفی فراوان هستند، و آن‌ها وابستگی‌های افراد را تحریک می‌کنند و بر ذهن و روح آن‌ها تأثیر می‌گذارند، به‌طور پیوسته مردم دنیا را به سمت پایین می‌کشند. این وحشتناک است. مریدان دافا موجودات بشری تزکیه‌کننده هستند، نه خدایانی که تزکیه می‌کنند، و بنابراین به‌عنوان افرادی که تزکیه می‌کنند، تا حدودی مورد تداخل قرار می‌گیرند. اگر نتوانند خود را به‌خوبی اداره کنند، آن‌گاه دقیقاً مردم عادی هستند؛ و وقتی مورد تداخل قرار بگیرند، رفتارشان بیشتر شبیه رفتار مردم عادی خواهد بود. برخی از شاگردان زیاد با آزمون‌های سخت مواجه نشده‌اند و به‌تدریج شل شده‌اند. این بدین معنی است که وابستگی‌هایی به وسوسه‌های گوناگون اجتماع عادی شکل داده‌اند، و توسط دام و اغوای آن پایین کشیده شده‌اند. البته افراد مختلف همان‌طور که تزکیه می‌کنند افکار بشری مختلفی دارند و کیفیت مادرزادی آن‌ها مختلف است، درست همان‌طور که نگرش آن‌ها به تزکیه، طبیعتاً متفاوت است. بالارزش‌ترین چیز این است که درحالی که در این شرایط طاقت‌فرسا هستید، تحت فشار هستید و قادر نیستید امیدی ببینید، از عهده‌ی آن برآید تا به‌طور پیوسته پیشرفت کنید. این بالارزش‌ترین و بزرگ‌ترین چیز است.

من پی برده‌ام که بسیاری از شاگردان، در این دوره‌ی زمانی که نتوانستند مرا ببینند، نسبتاً شل شدند و با خودشان جدی نبودند. تزکیه واقعاً چیزی باوقار است. از زمان خلق دنیا دو زمین گذشته است، و این تاریخ بسیار طولانی کهن تماماً وجود داشته تا

چشم به راه لحظه‌ی پایانی که امروز است باشد. همان‌طور که خدایان آن را می‌بینند، این زمان، درحقیقت، چیزی نیست جز یک چشم به هم زدن یا یک حرکت دست. اما در این بُعد انسان، آن روندی لازم دارد که زمان می‌برد. هر اندازه که چیزی در بُعد بشری زمان ببرد، هنوز هم برای خدایان چیزی جز یک چشم به هم زدن نیست. سال‌های زیادی نیاز است تا در این مکان بشری سپری شود، و همان‌طور که زمان طولانی می‌شود، برخی از شاگردان مستعد این هستند که کمتر کوشا شوند و کمی شل شوند. شما باید درخصوص این مشکل مراقب باشید. فکر می‌کنم تا وقتی که از این پس به آن توجه کنید خوب خواهید بود. با نگاه از زاویه‌ای دیگر، مسیری که پیموده‌اید و تمام چیزهایی که با آن‌ها مواجه شده‌اید و از میان آن‌ها گذشته‌اید، درخصوص گسترش وسیع دافا و اعمال تزکیه‌کنندگان مان -- هیچ‌یک از آن‌ها به‌صورت تصادفی ممکن نیست. مردم عادی هرگز شانس این را نداشتند که تمام چیزهایی که شما از میان آن‌ها گذشته‌اید را تجربه کنند. آشکار شدن رخدادی به این عظمت در دنیای بشری به‌هیچ شکلی نمی‌توانست تصادفی باشد. کمی درباره‌ی این بیندیشید و خواهید دید که آن واقعاً عادی نیست. از آن‌جا که در طول سال‌های زیادی با موفقیت به انجام رسانده‌اید، چرا نمی‌توانید در آخرین قدم سفر به‌خوبی عمل کنید؟ این‌که نتوانید در تزکیه کوشا باشید درواقع چیزی بی‌اهمیت نیست. لحظه‌ای که شل شوید، توسط تفکر بشری به‌سوی دیگری هدایت می‌شوید و یک پس‌روی، یا مسیر غیرمستقیم را برمی‌گزینید و همان‌طور که به فا اعتبار می‌بخشید و حقایق را روشن می‌کنید، به‌طور ضعیفی با یکدیگر همکاری می‌کنید.

هریک از پروژه‌های مریدان دافا که حقایق را روشن می‌کنند و مردم را نجات می‌دهند داوطلبانه و خودسازمان‌دهی شده بوده و برای اعتباربخشی به فا می‌باشند، و آنچه را که به انجام رسانده‌اید را دیده‌اید. نهادهای رسانه‌ای و شبکه‌هایی که مریدان دافا ساخته‌اند، و تمام چیزهایی که به انجام رسانده‌اید، ترس بر عناصر شیطانی وارد می‌سازد. ح‌ک‌چ شرور کل دستگاه حکومت چین را بسیج کرده است -- نه تنها سازمان‌های تبلیغاتی خود را -- و در نتیجه، تمامی ابتکارات روابط برون‌مرزی در خارج از کشور راکد شده است. آن صرفاً برای آزار و شکنجه‌ی فالون‌گونگ وجود دارد. همان‌طور که مریدان دافا حقایق را روشن می‌کنند، آن‌ها واقعاً طوری به آن می‌پردازند که یک نفر مقابل صد نفر یا حتی یک نفر مقابل هزار نفر قرار دارد، و این رنج و سختی را که شیطان ایجاد کرده و مریدان دافا را هدف قرار داده، به‌طور مؤثری افشا می‌کنند. در چند دهه‌ی اخیر، ح‌ک‌چ شرور همیشه یک نظم و آرامش و رونق و شکوفایی ظاهری و ساختگی درست کرده تا دنیا را وادار کند به این‌که مشروعیت حکومت حزب شرور را به‌رسمیت بشناسند. درحال حاضر، شیطان در بُعدهای دیگر به‌طور بدی لت و پار شده است و توانایی آن در کنترل کردن مردم ضعیف شده است. بنابراین، برای مریدان دافا، به‌طور کلی امور حتی آسان‌تر و راحت‌تر شده است. اما همان‌طور که امور راحت‌تر می‌شود، فشار کاهش می‌یابد؛ و وقتی فشار کاهش می‌یابد، گرایش این وجود دارد که به میلی برای راحتی منجر شود، به خواستن کمی سهولت بیشتر، به کمی شل شدن، و در طلب مقداری آرامش بودن. اما حقیقت این است که، زندگی هر مرید دافا، شبیه حلقه‌های یک زنجیر، به‌طور محکمی به تزکیه‌اش پیوند خورده است. بنابراین وقتی خودتان را شل کنید، به‌منزله‌ی شل شدن در تزکیه‌تان است.

برخی از مریدان دافا درحال کار کردن روی پروژه‌هایی به‌منظور نجات مردم هستند، و آن‌ها مشغول بوده و به‌سختی کار می‌کنند. از همه‌ی این‌ها آگاه هستیم. و می‌دانم برخی از مریدان دافا وقت کمی برای استراحت دارند، و با چالش‌های فراوانی مواجه هستند. اما هرچه باشد، آیا امروز آن چیزی نیست که به انتظار آن بوده‌اید؟ خواه در تاریخ پیمانی بسته باشید یا مشخصاً برای این امر آمده باشید، آن‌چه که در این لحظه، امروز، مقابل ما قرار دارد چیزی است که مریدان دافا قرار است انجام دهند و مدت‌ها به انتظار آن بوده‌اند. با این‌که آن‌چه درحال انجام آن هستید نجات مردم است، اما به‌رحال درحال تزکیه‌ی خودتان نیز می‌باشید، و از این‌رو آن‌چه که در این محیط بشری متجلی می‌شود به‌طور کامل خدایی‌گونه نخواهد بود. اگر مردم دنیا می‌توانستند ظاهر خدایی شما و شگفتی‌های آن‌چه که انجام می‌دهید را ببینند، جادوی توهمی را که، این را مکان بشری عادی می‌سازد، می‌شکست. در این حالت چنین چیزی که مریدان دافا تزکیه کنند یا مردم را نجات دهند وجود نمی‌داشت، و سختی‌ها ناپدید می‌شد. و بدون آن چیزها، تزکیه‌ی شما کمتر مقدس می‌شد. بنابراین برای این دلیل است که شما این‌طور به‌نظر می‌رسید که موجودات بشری عادی باشید. و چیزی بیشتر از این نکته نیز وجود دارد. همان‌طور که گفتم، این نوع محیط تزکیه، که

شخص نمی‌تواند ببیند که چه چیزی پیش روی او قرار دارد و شخص در تنهایی به‌درازا کشیده‌شده‌ای غرق شده است، سخت‌ترین چیز برای تحمل کردن است، و بیشترین احتمال وجود دارد که منجر به شل شدن شخص شود. این بزرگ‌ترین آزمایش در تزکیه است.

البته عوامل شیطانی در سرزمین چین هنوز هم در برخی از مناطق کاملاً لگام‌گسیخته هستند. گرچه اکثریت عوامل بد پاک‌سازی شده‌اند، اما در برخی از مناطق و در حالت‌های خاصی، آن‌ها هنوز هم می‌توانند از عهده‌ی این برآیند که افراد بد را کنترل کنند و به روش‌های شرارت‌آمیزی عمل کنند. بنابراین، بخشی از شاگردان مان وقتی شروع به انجام کارهایی می‌کنند، واقعاً مقدار زیادی فشار احساس می‌کنند. این در خارج از چین نیز صحت دارد؛ یعنی، آن افرادی که واقعاً در خط مقدم کارها قرار دارند این فشار را احساس خواهند کرد. بدون توجه به این که چه چیزی باشد، و بدون توجه به این که در چه نوع محیطی هستند، تمامی مریدان دافا نیاز دارند که به‌خوبی عمل کنند.

دیروز، با مریدان دافای مان از آن تی‌دی‌تی‌وی درخصوص برخی از وضعیت‌های قریب‌الوقوع صحبت کردم. درحال حاضر چیز دیگری که همگی از آن آگاه هستید، این است که شاگردانی که کوشا نبوده‌اند— افرادی که برای مدت‌زمانی طولانی قدم پیش نگذاشتند و خیلی عقب افتادند— همان‌طور که شرایط تغییر کرده است، شروع کرده‌اند که به‌طور پیوسته قدم پیش گذارند. در سرزمین چین، تعدادی از مریدان دافا از مناطقی که شدت فشار زیاد بوده و شدیدترین آزار و شکنجه را داشتند، پس از این که مدت زمان زیادی نتوانستند قدم پیش گذارند، قدم پیش گذاشته‌اند. برخی از افرادی نیز هستند که از چین به این‌جا آمده‌اند، و زمانی که سعی کردند با مریدان دافای خارج از چین باهم کار کنند تضادها پدیدار شده است. این باعث شده است که مریدان دافای سراسر دنیا احساس کنند که امور پیچیده‌تر شده‌اند. به‌هر حال دلیل اصلی این مسئله چیزی به‌جز حالت تزکیه‌شان می‌باشد.

افکار و تصوراتی که افراد سرزمین چین دارند تحت تأثیر فرهنگ ح‌ک‌چ شورور شکل گرفته است. مفاهیم آن‌ها، ذهنیت، روش زندگی و رفتار روزانه‌شان همگی تحت چنین شرایطی شکل گرفته اند. مردم در اجتماع غربی یا افراد در جوامعی که توسط حزب کمونیست شورور حکومت نمی‌شوند به شکلی بشری که طبیعی است زندگی می‌کنند، به حالتی که تفاوت بین افراد فقط [تفاوت] فرهنگی است. در یک جامعه‌ی طبیعی مانند این، مردم روش عادی زندگی را دارند که به حفظ آرامش، مهربان و گشاده‌فکر بودن و گارد نگرفتن در مقابل افراد دیگر ارزش می‌گذارند. این عادی است، و قبل از پدیدار شدن حزب شورور، مردم چین نیز این‌گونه بودند. اما در اجتماع چین امروزه، ح‌ک‌چ شورور به‌طور پیوسته از دروغ، کینه و "کشمکش و مبارزه" استفاده می‌کند تا مردم را از تولد تا بزرگ‌سالی آموزش دهد. به‌طور بی‌پایانی اصول اشتباه را به‌کار می‌برد تا مردم را تعلیم دهد، و همیشه این کار را براساس نیازهایش انجام می‌دهد، به این منجر می‌شود که همان‌طور که رفتار روزانه‌ی مردم بیشتر جایگزین می‌شود، رفتار آن‌ها بیشتر و بیشتر هم‌سو با آن چه که آن می‌خواهد شود. برخی از افراد در سرزمین چین هنوز درباره‌ی سنت‌های قدما صحبت می‌کنند، و تعدادی کمی نیز هنوز ارزش‌های سنتی را دارا هستند. وجود چنین افرادی آن چیزی بود که به انقلاب فرهنگی منجر شد، و این دلیل آن است که چرا آن‌جا همه نوع جنبش‌های سیاسی وجود داشته، تا به‌طور پیوسته سنت‌های مردم چین را بکوبانند و نابود کنند. جوانان امروزی فقط در میان فرهنگ حزب و دروغ‌ها رشد کرده‌اند، و ذهنیتی که در میان آن دروغ‌ها شکل داده‌اند، همین‌طور رفتارشان و چگونگی پرداختن به امور، در تضادی آشکار با ذهنیت و رفتار افرادی از ملیت‌های دیگر می‌باشند. در جوامع دیگر، وقتی دو نفر به هم می‌رسند، می‌توانند به‌طوری باز در مورد هر چیزی با هم صحبت کنند، و حتی اگر قبلاً یکدیگر را نشناخته باشند، قادرند صادقانه و صمیمی صحبت کنند. این برای افراد در سرزمین چین غیرممکن است. بنابراین، شاگردانی که از سرزمین چین آمده‌اند نسبت به افراد خارج از چین به‌طور متفاوتی کارها را انجام می‌دهند و با دیگران تعامل می‌کنند. شاگردان خارج از چین شاگردان آن‌جا را درک نمی‌کنند، و نمی‌توانند آن چه را که می‌گویند و انجام می‌دهند درک کنند، متعجب می‌شوند، "چطور می‌توانند کارها را به این شکل انجام دهند؟ چرا این شخص این قدر عجیب و غریب است؟" واقعیت این است که مردم چین که در مبارزات سیاسی متعدد توسط حزب شورور وادار شدند در مقابل هم "کشمکش و مبارزه" کنند و یکدیگر

را متهم کنند، پس از تجربه‌ی چنین آزار و شکنجه‌ای، به زور عادت خود را بسته‌اند؛ و مخصوصاً در طول آزار و شکنجه‌ی مریدان دافا این‌گونه بوده است. در هر حال، مریدان دافا باید همدیگر را درک کنند، و برعکس، چینی‌ها، درحالی که این نوع از ذهنیت را در چین شکل داده‌اند، نمی‌توانند مردم خارج را درک کنند، و متعجب می‌شوند، "چگونه این خارجی‌ها می‌توانند این‌قدر کودن باشند؟" و چینی‌هایی که مدتی طولانی خارج از چین بوده‌اند را نیز نمی‌توانند درک کنند، و از خود می‌پرسند، "چرا آن‌ها کارها را این‌طوری انجام می‌دهند؟" در واقع، هر کسی درحالی که یک موجود بشری است، باید واقعاً به‌طور عادی رفتار کند. این جایی است که نیاز دارید یکدیگر را درک کنید و به‌خوبی همکاری کنید.

به‌خاطر ذهنیت متفاوتی که شاگردان سرزمین چین دارند، به‌خاطر همکاری ناموفق، شیوه‌ی غیرعادی نگاه کردن آن‌ها به امور، همیشه با افراد اختلاف داشتن‌شان، و بستن خودشان، برخی از مریدان دافای خارج از چین شک می‌کنند که ممکن است شاگردان از سرزمین چین جاسوس باشند. در بسیاری از مکان‌ها، این سبب برانگیخته شدن مسائل شده و برخی اختلالات را به‌وجود آورده است. فکر می‌کنم که از چیزی که قبلاً گفتم آگاه هستید، که من جاسوسان را نیز نجات خواهم داد. او ممکن است در این زندگی یک جاسوس باشد، اما در زندگی‌های گذشته‌اش برجسته بوده باشد. و آن‌ها همگی برای این‌ها آمدند. بنابراین چرا او را بر اساس صرفاً این دوره‌ی زندگی قضاوت کنیم؟ در این حالت، آیا نباید دیگر او را نجات دهیم؟ او صرفاً حرفه‌ی متفاوتی دارد، همه‌اش همین است. البته، آن‌چه که در راستای کارش انجام می‌دهد می‌تواند واقعاً صدمه برساند و به معنی این است که علیه دافا مرتکب گناهی شده است. اما فکر می‌کنم که این‌ها عظیم است و این‌ها هرچه باشد، این قانون بزرگ کیهان است، بنابراین می‌تواند هر چیزی را حل و فصل کند. تا وقتی که بتوانید قلب‌تان را باز کنید و بردبار باشید، فکر می‌کنم هر چیزی می‌تواند تغییر کند. در گذشته وقتی درحال اشاعه‌ی فا در چین بودم، شاگردان بسیاری وجود داشتند که اعضای حزب شورور بودند و کادرهای پیشین ارتش سرخ بودند، بسیاری از دبیران حزب وجود داشتند، بسیاری از شاگردان از ادارات امنیت عمومی و دولت بودند، و بسیاری از شاگردان از ارتش بودند— حتی اعضای از سومین یا دومین مقام مدیریت اداره اطلاعات ستاد کل ارتش. این‌طور نیست که در طول آزار و شکنجه واقعاً به سمت دیگر رفتند، بلکه، در مواجهه با فشار ترسیدند یا سردرگم شدند. به هر حال، شخص یک موجود بشری است، و تحت فشار مستعد انجام هر کاری می‌باشد. یک‌بار که ذهن او روشن شود، قطعاً باز خواهد گشت. فقط موضوعی درخصوص زمان است.

نجات مردم دقیقاً این است، نجات مردم، و این‌که دست‌چین می‌کردیم و انتخاب می‌کردیم مرحمت‌آمیز نمی‌بود. این مسئله به‌ویژه درحال حاضر صحت دارد، وقتی که اجتماع بشری به این مرحله رسیده و هر چیزی درحال فروریختن است. درحال حاضر تنها معیار، چیزی است که خود شخص می‌خواهد. من در این خصوص دیروز صحبت کردم. گفتم که تاریخ هرگز دوره‌ای را که در آن مردم، این‌قدر بد شده باشند، مانند طوری که امروزه هستند، ندیده است. و این مخصوصاً برای افرادی که در سرزمین چین هستند این‌چنین است، افرادی که سطح اخلاقی‌شان به‌طور بی‌سابقه‌ای به پایین سقوط کرده است. اگر در خیابان قدم بزنید و افکار مردم را مشاهده کنید، تعداد کمی از آن‌ها چیزهای خوبی در ذهن دارند، بسیاری هر لحظه درباره‌ی چیزهای بد فکر می‌کنند، و آن‌چه انجام می‌دهند اکثراً بد می‌باشد. اجتماع به‌صورت کل درحال پیش راندن این چیزها است، و حزب شورور درحال پایین کشیدن مردم است. بنابراین برای مریدان دافا، این آزار و شکنجه به آن‌ها اجازه خواهد داد تا، هرچه که باشد— بدون توجه به این‌که سبب چقدر رنج فیزیکی یا عذاب ذهنی برای آن‌ها می‌شود، و بدون توجه به این‌که آزار و شکنجه چقدر شدید باشد— کارمای آن‌ها را از بین برود و به‌سوی کمال پیش بروند. آن‌چه که انتظار مریدان دافا را می‌کشد تماماً چیزهای خوب است. آیا این هدف تزکیه‌ی شما نیست؟ به هر حال، طبق نظم و ترتیب‌های شیطانی نیروهای کهن، این آزار و شکنجه‌ی انجام شده توسط حزب شورور علیه دنیا— و مخصوصاً علیه مردم چین— که توسط نیروهای کهن شکل داده شد تا ظاهراً "به مریدان دافا کمک کند به کمال برسند"، در شدت خود بی‌نظیر است. با فاسد کردن مردم و وادار کردن آن‌ها به ارتکاب گناهی علیه دافا، آیا این هل دادن مردم چین به‌سوی نابودی نیست؟ حتی با این‌که این نیروهای کهن بودند که این آزار و شکنجه‌ی خبیثانه را برنامه‌ریزی کردند، اما به هر حال به‌خاطر مریدان دافا است که مردم چین چنین ننگ و رنجی را متحمل شده‌اند. بنابراین از

این زاویه، آیا نباید بروید و آن‌ها را نجات دهید؟ آیا مریدان دافا نباید قلب‌شان را به‌طور وسیعی باز کنند؟ آیا حتی آن‌هایی که آزار و شکنجه را به اجرا می‌گذارند، به‌استثنای آن سردسته‌ی اهریمن، خودشان هدف آزار و شکنجه واقع نشوند؟

بنابراین می‌خواستم به این اشاره کنم که درحال حاضر، وقتی بسیاری از پروژه‌های مختلف شما کمبود نیروی انسانی دارد، برخی از مریدان دافایی که از چین آمده‌اند هنوز هیچ جایی در یک پروژه ندارند. می‌گویم که نباید درباره‌ی این که آیا آن‌ها "اصلاح" شده‌اند یا نه نگران باشید. تا وقتی که شخص آن محیط شیطانی را ترک کرده باشد، او شفافیت و روشنی خود را دوباره به‌دست خواهد آورد و احساس ندامت خواهد کرد. حتی با وجود این که این یک ننگ بود، اما باید به شخص فرصت دیگری داده شود تا برگردد. هرچه باشد، تزکیه‌کنندگان برای این که تزکیه کنند باید افکار بشری داشته باشند. نکات دردآور چنین شخصی وقتی به آن‌ها اشاره شود حساس خواهد بود، و گاهی اوقات شخص حتی توسط برخی از اشکال جر و بحث، از ترس تحقیر شدن، از خودش دفاع خواهد کرد. بنابراین بدون توجه به این که چگونه از آن‌جا خارج شد، باید هنوز قادر باشد وارد این محیط مریدان دافا شود. شما نمی‌توانید این افراد را به کنار برانید. بلکه باید به آن‌ها نزدیک شوید و به آن‌ها گرمی و صمیمیت نشان دهید. بدون توجه به این که آن‌ها چه فکری می‌کنند یا چه کاری انجام می‌دهند، و بدون توجه به این که ذهنیت‌شان ممکن است چگونه متفاوت باشد، به‌تدریج آگاه خواهند شد و این که مردم در کشورهای دیگر چگونه زندگی‌شان را می‌گذرانند را درک خواهند کرد. قلب و ذهن‌تان را مقداری وسیع کنید، چرا که آن‌ها هم‌مریدان شما، مریدان دافای استاد هستند. باید نسبت به آن‌ها بردباری داشته باشید. اگر برای این که چنین کسی را روی پروژه‌ی خاصی بگمارید یا برای این که از او بخواهید که کارهای خاصی را انجام دهد واقعاً احساس ناراحتی دارید، آن‌گاه می‌توانید درخصوص شرایط خاص وی، از مریدان دافای در محل او در چین استعلام کنید. تا وقتی که در ابتدا یک مرید دافا بوده باشد، آن‌گاه فکر نمی‌کنم درگیر کردن او مشکلی ایجاد کند. دافا می‌تواند حتی الماس را محکم‌تر کند، بنابراین آیا می‌تواند این‌طور باشد که ما نتوانیم به چنین شخصی کمک کنیم که رشد کند؟ هیچ محیطی نمی‌تواند با محیط مریدان دافا مقایسه شود. تا وقتی که افکار درست شما، به‌عنوان مریدان دافا، کمی قوی‌تر شود و با تضاد کم‌تر کمی بهتر با هم همکاری کنید، قدرت تلاش‌های شما برای نجات مردم عظیم‌تر خواهد بود.

درحال حاضر برخی از پروژه‌های شما کار سخت زیادی نیاز دارد. چیز مخصوصاً قابل توجه، پروژه‌های رسانه‌ای هستند، که تعداد نسبتاً زیادی از افراد را لازم دارند. برای یک نهاد رسانه‌ای که واقعاً تأثیر نجات موجودات ذی‌شعور را داشته باشد و واقعاً توانایی‌های یک رسانه را مهیا سازید، باید موقعیت و جاپای محکمی در اجتماع عادی داشته باشید. داشتن جاپای محکم در اجتماع عادی چیزی نیست که فقط به زبان بگویید. بلکه، چیزی است که باید به‌طور واقعی روی آن کار کنید. اگر می‌خواهید جاپای محکمی در اجتماع عادی داشته باشید، باید آن نهاد را خوب اداره کنید. هدف نهایی و نقطه‌ی شروع هر شرکتی در اجتماع عادی این است که کسب و کار کند و درآمد داشته باشد. با این که نقطه‌ی شروع شما نجات مردم است، اما هنوز هم باید در اجتماع، خوب پایه‌گذاری شوید، به گردش مالی خوبی برسید، و روش‌های مدیریتی اجتماع را تا حد امکان رعایت کنید. اگر چیزی برای اجتماع بشری کاملاً درست نمی‌بود، مطمئناً به‌طور وسیعی اتخاذ نمی‌شد. بنابراین، وقتی روش‌های مدیریتی خاصی را همه استفاده می‌کنند، به معنی این است که آن‌ها مناسب نیازهای مردم هستند و این که خدایان به چنین روشی در اجتماع اجازه می‌دهند. در یک یا دو صدهی اخیر، شیوه‌ای که شرکت‌ها کار می‌کنند ثابت کرده است که دوام‌پذیر باشد، و می‌توانید بگویید که این نتیجه‌ی چیزی است که مردم عادی از طریق تجربه فراگرفته‌اند. پس چرا وقتی ما [شرکت‌های] خودمان را اداره می‌کنیم نمی‌توانیم از آن رسوم پیروی کنیم؟

مریدان دافا همگی این فکر را در ذهن دارند، "ما همگی به خطوط مقدم می‌شتابیم، بدون توجه به این که آن ممکن است چه قدر سخت یا خسته‌کننده باشد یا اگر این به معنی شب‌های زیادی بی‌خوابی باشد— ما می‌توانیم، و هرکاری لازم داشته باشد انجام خواهیم داد." اما، وقتی به مدیریت می‌رسد، آن‌ها متزلزل می‌شوند. آیا شما نگفتید که می‌توانید هر کاری که لازم باشد را انجام دهید؟ (حاضر می‌خندند) آیا همگی شما از ندانستن چگونگی انجام کاری به دانستن آن گذر نکردید؟ پس چرا این‌طور است که نمی‌توانید این بخش را به‌خوبی انجام دهید؟ فقط با خوب کردن یک نهاد رسانه‌ای است که آن می‌تواند قوی‌تر شود و تأثیر

مطلوب بیشتری داشته باشد. درحال حاضر چه مقدار زمان هدر می‌رود تا پی ببرید چگونه به حرکت آن ادامه دهید و با زحمت پول گردآوری می‌کنید تا آن را برپا نگه دارید-- چقدر این سخت بوده است! اگر واقعاً مقداری فکر و تلاش برای این کار صرف کنید، آن گاه فکر می‌کنم نتیجه عالی خواهد بود. خواه در جستجوی بانی و اسپانسر شدن باشد یا گرفتن تبلیغات، همگی آن کارهایی که پشت صحنه انجام می‌شوند تا برای شرکت‌های رسانه‌ای سرمایه کسب کنند، همانند کارهای آن افرادی است که به‌عنوان نمای آشکار شرکت کار می‌کنند-- تقوای عظیم دقیقاً یکسان است. نمی‌تواند این‌طور باشد که تقوای عظیم شخصی بیشتر باشد فقط به‌خاطر این که مقاله‌هایی می‌نویسد، به‌عنوان یک ویراستار کار می‌کند، در نقش یک مترجم خدمت می‌کند، اغلب در آن رسانه ظاهر می‌شود، یا به‌خاطر این که مسئولیت‌های خاصی دارد. همگی شما که در آن نهاد رسانه‌ای شرکت می‌کنید، به‌عنوان مریدان دافا، بدون توجه به این که چه کاری انجام می‌دهید، یکسان هستید.

اما وقتی با این موضوع که مدت زیادی است شما را سردرگم کرده برخورد می‌کنید، پس از دیدن چالش‌های پیش رو، که کاملاً از آن‌ها آگاه هستید، به‌جای این که به پیش بروید عقب‌نشینی می‌کنید، و نمی‌خواهید آن را انجام دهید. می‌خواهم این‌جا، به‌عنوان استاد، به شما بگویم، که من از خوب مدیریت کردن شرکت‌های رسانه‌ای حمایت می‌کنم. به افراد مسئول در نهادهای رسانه‌ای گفته‌ام که آن‌ها باید درخصوص این موضوع تلاش‌هایی را صرف کنند. اما افراد بیشتری هستند که درخصوص این موضوع روشن نیستند، و شما این تفکر کوتاه‌مدت را دارید که، "وقتی اصلاح-فا چیزی را لازم داشته باشد، آن را انجام خواهیم داد. وقتی آن انجام شد، کار ما تمام شده است." اما این آن طوری نیست که امور عملی باشند. وقتی مریدان دافا کاری انجام می‌دهند، هرگز فقط برای آن یک کار نیست. درخصوص هر کاری که انجام می‌دهید، باید حال و نیز آینده را در نظر بگیرید، و باید خود کار و نیز هر چیز مرتبط با آن را در نظر بگیرید. درحال حاضر این قالب فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا مردم را نجات دهد و به فا اعتبار بخشد، اما آیا قرار نیست این قالب برای آینده به‌جای بماند؟ آیا قرار نیست به مردم آینده داده شود تا پیروی کنند؟

سپس موضوع دیگری از مدیریت، در ارتباط با این که چگونه یک شرکت رسانه‌ای را اداره می‌کنید وجود دارد. شما همگی این نگرش را دارید، "اگر بخواهم کاری انجام دهم، آن را انجام خواهم داد. اما وقتی کسی به من بگوید که چه کاری انجام دهم، آن را دوست ندارم." چگونه این می‌تواند عملی باشد؟ شما مریدان دافا هستید. وقتی در یک شرکت عادی کار می‌کنید، هرچه که رئیس‌تان به شما بگوید انجام می‌دهید. پس چرا در ارتباط با یک پروژه‌ی دافا، وقتی کاری برای دافا انجام می‌دهید، وقتی کسی چیزی می‌گوید، به شما می‌گوید کاری انجام دهید، یا کاری را برای شما مشخص می‌کند که انجام دهید، گوش نمی‌کنید؟ فقط درباره‌ی این بیندیشید: آیا این درست است؟ اگر ما بخواهیم در اجتماع جاپایی به‌دست بیاوریم و کاری کنیم که آن نهاد رسانه‌ای به‌طور مؤثرتری نقش خود را ایفا کند، آن گاه باید با ابزار عادی آن را اداره کنید. این چیزی است که به ایستگاه تلویزیون، ایستگاه رادیو، روزنامه‌ی اپک تایمز و نهادهای دیگر رسانه‌ای گفته‌ام. این چیزی بود که به آن‌ها گفتم. اگر بخواهید این شکل‌های [رسانه‌ای] را برای روشن کردن حقایق و نجات مردم استفاده کنید، آن گاه باید این رویکرد را برگزینید. هرکاری که مردم عادی انجام می‌دهند یا هرطور که یک شرکت را اداره می‌کنند، شما باید همان‌طور آن را انجام دهید. فقط این‌طور است که انگیزه‌ی شما نجات مردم است. تفاوت در این‌جا نهفته است.

تجربه‌ی زنده‌ی عملی نشان داده است که شیوه‌ی بشری مدیریت کاملاً مؤثر است، بنابراین چرا از آن استفاده نمی‌کنید؟ شاید آن شیوه برای انجام کارها قرار است برای آینده به‌جای بماند. اما اگر به من می‌گویید که با روال مدیریتی‌تان هیچ کسی به کسی گوش نمی‌کند، آن گاه آیا آن شیوه می‌تواند به آینده منتقل شود؟ خیر، آن عملی نخواهد بود. اگر هرگاه چیزی را مقرر می‌کنید افراد نمی‌خواهند گوش کنند و فقط می‌خواهند هرکاری را که مناسب میل‌شان است انجام دهند، و هر کسی کارها را به روش خودش انجام دهد، آیا این هرگز می‌تواند عملی باشد؟ دقیقاً شبیه وقتی است که این مشت بیرون می‌رود-- وقتی همه با هم گره کرده می‌شوند قوی است. (استاد دست‌شان را مشت می‌کنند.) اما اگر بگویید که این شخص می‌خواهد این را انجام دهد، آن شخص می‌خواهد آن را انجام دهد، و شخصی دیگر کار دیگری را (پنج/نگشت را باز می‌کنند و به هر/نگشت اشاره

می‌کنند)، آن‌گاه آن ضعیف است، و به محض این که بیرون می‌رود، پس زده خواهد شد، درست است؟ شما باید برنامه و طرح داشته باشید و کارها را سازمان‌دهی کنید، به خوبی هماهنگی کنید، و با یکدیگر همکاری کنید.

برخی از افراد ممکن است فکر کنند، "چرا من باید به این و آن گوش کنم؟ فکر می‌کنم بهتر از او تزکیه کرده‌ام." نباید این را بگویید. تنها کسی که خوب تزکیه کرده باشد راضی خواهد بود هر کاری را که برای او مشخص شده انجام دهد، و [فکر کردن به آن شکل] فقط ثابت می‌کند که به خوبی تزکیه نکرده‌اید. گفته‌ام که شرکت‌های رسانه‌ای که اداره می‌کنید ذاتاً قسمتی از دافا نیستند، و این که وظایفی که در ارتباط با نقش‌های تعیین‌شده‌ی شما هستند معرف سطح تزکیه‌تان نمی‌باشند. شما مریدان دافا هستید، و به اختیار خودتان برای منظور نجات موجودات ذی‌شعور و اعتباربخشی به فا دور هم جمع شده‌اید. شما این پروژه را برای نجات مردم و اعتباربخشی به فا بنا می‌کنید. مسائل باید این‌گونه نگریسته شوند. از آن‌جا که شرکت قسمتی از دافا نیست، باید جاپای محکمی در اجتماع به دست بیاورد، و عادی باشد. چرا نباید چیزی عادی با روش‌های عادی مدیریت شود؟ شغل یک شخص عادی نمایانگر این که سطح او در آسمان‌ها قبلاً چقدر بالا بود نیست، و معرف این که قلمرو فعلی یک تزکیه‌کننده چقدر بالاست یا چقدر خوب تزکیه کرده است نیز نمی‌باشد. از آن‌جا که این اصل را درک می‌کنید، و می‌دانید که صرفاً به خاطر این که کسی شما را مدیریت می‌کند به این معنی نیست که تا مکان بالاتری تزکیه کرده است، پس آیا هنوز باید این‌جا موضوعات نارضایتی یا حسادت مطرح باشد؟ اشکالی ندارد که کسی شما را مدیریت کند، چرا که آن برای دافا است. آیا مریدان دافا قرار نیست قادر باشند با شرایط مختلف سازگار باشند؟ وقتی درحالی که در زندان بودید با آزار و شکنجه‌ی ناگوار مواجه شدید، وقتی توسط افراد شرور کتک و دشنام می‌خوردید، و به شما تحکم می‌شد، آیا در آن زمان تسلیم نارضایتی شدید؟ پس چرا این‌طور است که در این شرایط، وقتی درگیر کاری این‌قدر مقدس هستید، نمی‌توانید آن را انجام دهید؟

امروز تعداد زیادی از مریدان دافا روبروی من هستند، بنابراین می‌خواستم به مسائل اشاره کنم. شما درخصوص نهادهای رسانه‌ای خیلی خوب عمل کرده‌اید و تاکنون تأثیر عظیمی در نجات موجودات ذی‌شعور داشتید. بنابراین این چیزی است که باید خوب انجام شود. آرزوی استاد این است که جاپای محکمی در اجتماع پیدا کنند و آن‌ها را شغل و حرفه‌ای استوار و با چرخش مثبتی سازید، و بدین طریق بگذارید تأثیر حتی عظیم‌تری داشته باشند و کار حتی بیشتری برای نجات موجودات ذی‌شعور انجام دهند. این چیزی است که می‌خواستم بگویم. در مورد مدیریت امور، باید بخش‌ها، سطح مدیریتی، و افرادی که کارهای عملی انجام دهند را داشته باشید. نقش‌ها متفاوت هستند، اما همگی در یک هدف اعتباربخشی به فا مشترک هستند. آن‌هایی که کارها را مدیریت می‌کنند و آن‌هایی که کارها را به انجام می‌رسانند تقوای عظیم یکسانی به دست می‌آورند. شما درحال حمایت کردن از قالب آن نهاد رسانه‌ای هستید و از آن استفاده می‌کنید تا موجودات ذی‌شعور را نجات دهید، بنابراین تأثیر شما یکسان است.

چیزهای زیادی دارم بگویم، اما هرچه را که مطرح می‌کردم اهمیت بسیار زیادی به آن موضوع می‌بخشید. بیشتر نخواهم گفت. فقط می‌خواستم درباره‌ی امور فعلی به‌طور کلی صحبت کنم. اگر پرسش‌هایی دارید که واقعاً احساس می‌کنید باید پرسید یا فوراً باید حل و فصل شوند، می‌توانید به‌طور خلاصه روی برگه‌های کاغذ منتقل کنید، و آن‌ها را برای شما پاسخ خواهم داد. (تشویق)

با نگاه به کُنه وضعیت جاری، می‌توانیم ببینیم که عوامل شیطانی تمام شده‌اند و این که روح شیطانی ح‌ک‌چ شرور نابود شده است. فقط این‌طور است که برخی از پیام‌های آن هنوز وجود دارند— برای مثال، در برخی از کتاب‌ها یا عکس‌ها از گذشته— همراه با عوامل شیطانی‌اش، گرچه اکثر آن عوامل شیطانی منهدم شده‌اند. صدماتی که به مریدان دافا وارد می‌آید از دسته‌ای از ارواح سطح پایین کاملاً پست و اهریمن‌های پوسیده‌ای که در مکان‌های سطح پایین وجود دارند که توسط اصلاح— فا تحت تأثیر قرار گرفتند می‌آید. آن چیزها به‌طور مستقیم توسط عوامل شیطانی کنترل می‌شوند، و عوامل بد کهن حتی سطوح بالاتر، لایه به لایه دارای تأثیر می‌باشند. اما در چین، آن روح شیطانی ح‌ک‌چ مدت‌ها پیش تمام شده است. همان‌طور که می‌دانید، عواملی از روح شیطانی پشت حزب شرور وجود دارد. چه کسی در گذشته جرأت می‌کرد بگوید که حزب شرور بد است؟ مردم جرأت نمی‌کردند چیزی بگویند، حتی پشت درهای بسته در خانه‌ی خودشان. مردم حتی از فکر کردن به آن می‌ترسیدند، و حسی

داشتند که چیزی درحال مشاهده‌ی آنها است. اما حالا، هر کسی -- از مسئولان مرکزی حزب شرور گرفته تا افراد عادی -- جرأت می‌کنند در ملاء عام به آن ناسزا بگویند. هرگاه با هم جمع می‌شوند، به ح کچ شرور ناسزا می‌گویند. این نشان می‌دهد که عوامل شیطانی که قبلاً مردم را کنترل می‌کردند دیگر نیستند، و این که آن‌ها تمام شده‌اند. پس چرا قدرت سیاسی آن هنوز صحیح و سالم است؟ آن فقط یک گروه از تبهکاران است که می‌خواهند مردم را سرکوب و استثمار کنند، و در قدرت بمانند -- این یک گروه بی‌نهایت فاسد است که مشغول به کار می‌باشد، و به قدرت چسبیده است. آن به میل و دلخواه عوامل شیطانی کیهان کهن رفتار می‌کند، که از افکار بدشان سوء استفاده می‌کنند و از آن‌ها استفاده می‌کنند تا برای مریدان دافایی که هنوز قدم پیش نگذاشته‌اند و به‌خوبی تزکیه نکرده‌اند فشار ایجاد کنند و این شرایط اهریمنی را نگه دارند. آن جامعه درحال حاضر کاملاً فاسد است.

اگر هم‌اکنون این امر را به‌پایان می‌رساندم، حیات‌های آینده‌ی بسیار زیادی نابود می‌شدند. آن افرادی که پایین آمدند تا فا را به‌دست بیاورند، آن افرادی که به‌منظور به‌دست آوردن فا آمدند، بیهوده آمده بودند. بدون توجه به این که آن موجودات درحال حاضر درحال انجام چه کاری هستند، در ابتدا خدا بودند. آن‌ها دیدند این‌جا چقدر وحشتناک بود، با این حال جرأت کردند بی‌مهابا خود را به این‌جا بیندازند -- جرأت کردند بیایند. چرا این‌طور بود؟ زیرا به اصلاح - فا و دافا امید داشتند، و از روی ایمان عمیقی آمدند. بدون توجه به این که درحال حاضر چگونه رفتار می‌کنند، باید به این که در ابتدا امور چگونه بودند نگاه کنیم و به تاریخ‌شان نگاه کنیم -- به این که آن حیات سابقاً چگونه بود -- و نهایت تلاش‌مان را برای نجات آن‌ها انجام دهیم. به هر حال، این قانون بزرگ کیهان است، و برای موجودات ذی‌شعور بی‌شمار، این فرصتی است که سخت به‌دست می‌آید. آن فقط این یک‌بار این‌جاست، و اگر آن‌ها بتوانند بمانند، خواهند ماند؛ اگر نتوانند، برای همیشه ناپدید خواهند شد. بنابراین احساس می‌کنم که نیاز داریم به انجام این کار ادامه دهیم و به نجات آن‌ها ادامه دهیم. اگر افرادی که امروز فا را به‌دست آورده بودند شما نمی‌بودید بلکه دیگران بودند، و شما در شرایط آن‌ها می‌بودید و مردم عادی به‌حساب می‌آمدید، درباره‌ی این بیندیشید: آیا شما سزاوار دلسوزی و ترحم نمی‌بودید؟ و درخصوص مردم چین، که از شدیدترین آزار و شکنجه زجر می‌کشند، آن‌ها تا این حد مورد آزار و شکنجه قرار می‌گیرند فقط به‌حساب این که نیروهای کهن سعی می‌کنند با شما مداخله کنند. بنابراین برای شما حتی دلیل بیشتری وجود دارد که آن‌ها را نجات دهید. درحال حاضر، این مشخص است که باید سه کار را به‌خوبی انجام دهید و خود را به‌خوبی تزکیه کنید. افکار درست قوی داشته باشید. وقتی خود را به‌خوبی تزکیه می‌کنید، مسلماً افکار درست‌تان قوی خواهد بود. بنابراین برای همگی شما، نجات موجودات ذی‌شعور مسئولیت شما و مأموریت تاریخی شما است، و این چیزی است که درعین حال هم تاریخی و یادبودی است و هم طاقت‌فرسا.

شما می‌دانید که برای ما سخت نیست که یک شخص را نجات دهیم؛ سختی در مزاحمت و فشار شیطانی نهفته است. وقتی یک شخص از عهده‌ی این برمی‌آید که حقیقت را درک کند و نجات یابد، از سطحی بنیادی صحبت کنیم، به این معنی است که، تمامی حیات‌ها در سیستم کیهانی پشت او که آن شخص نمایان‌گر [آن‌هاست] توأم با هم نجات می‌یابند. به این معنی است که تعداد بی‌شماری از موجودات ذی‌شعور و سیستم‌های عظیمی -- حیات‌های بسیار زیادی -- نجات می‌یابند. عاملی به این مهمی است که برای شخص مشکل می‌سازد که فرصتی داشته باشد تا حقیقت را بشنود و درک کند چه چیزی روبروی او قرار دارد. آن، شکل عوامل شیطانی مختلفی را به‌خود می‌گیرد که با روشن‌گری حقایق ما مداخله می‌کند، اما در اصل، آن به‌واسطه‌ی وجود آن عامل مهم پشت همه‌ی آن است. من الان گفتم مسئولیتی که مریدان دافا دارند تاریخی و یادبودی است و این که این مأموریت تاریخی چیزی نیست که هر کسی بتواند به‌عهده بگیرد -- فقط مریدان دافا ارزش آن‌را دارند. این باشکوه است، واقعاً باشکوه.

می‌خواهم در ادامه چیزی را ذکر کنم. چیزی است که قبلاً درباره‌ی آن با شما صحبت نکرده‌ام. در جلسه‌ی دیروز درباره‌ی چیزی صحبت کردم، و لازم است امروز آن‌را تکرار کنم. وگرنه به‌طور غلطی منتشر می‌شود. در گذشته، به‌عنوان قسمتی از اصلاح - فا، خدایان در هر سطحی موضوع تعیین این که پس از اصلاح - فا برای بشریت چه اتفاقی بیفتد را مورد توجه قرار دادند، و خدایان

در سطح خاصی برنامه‌ریزی کردند که یک "روز رستاخیز" عظیمی باشد. این مطلب می‌تواند در سنت غربی‌ها یافت شود، که درباره‌ی مواجهه شدن بشر با یک داوری عظیم می‌گوید. اما این محدود به بشریت نمی‌شد: تمامی موجودات کل سه‌قلمرو با این مواجهه می‌شدند. حتی افراد مرده بایستی زنده می‌شدند و با داوری مواجه شوند. این داوری نتیجه‌گیری نهایی برای تمامی چیزهایی بود که از زمان خلقت دنیا روی داده بود، و شامل شروع دافا و گسترش آن می‌شد و نشان‌دهنده‌ی پایان نجات موجودات ذی‌شعور می‌بود، و به‌ویژه، تمامی آن‌چه که موجودات در طول دوره‌ی پایانی اصلاح-فا انجام داده بودند را در بر می‌گرفت-- تمامی آن‌ها در تصویری کامل به نمایش گذاشته می‌شد. وقتی درباره‌ی "موجودات ذی‌شعور" صحبت کرده‌ام، این واژه را در شکلی وسیع و جامع مورد استفاده قرار داده‌ام که شامل هر چیزی در کیهان می‌شود. بدون توجه به این که علم انسان چیزی را موجود زنده یا غیرزنده می‌نامد، حقیقت این است که همه چیز زنده است. حیات‌های انبوهی از بُعدها، تمامی موجودات ذی‌شعور، برای این دافا آمدند؛ و محیط‌های زندگی که تمامی موجودات ذی‌شعور در اختیار گذاشتند، خودشان برای این دافا به وجود آمدند. پس می‌گویم که در انتها، تمامی آن‌ها می‌بایستی با داوری مواجه شوند. قبلاً درحالی که فا را آموزش می‌دادم این را ذکر نکردم، چراکه برنامه‌ریزی‌هایی که در آن سطح مشخص انجام گرفت دیگر به حساب نمی‌آید؛ نهایتاً این من خواهم بود که تصمیم می‌گیرم چه کاری انجام شود. روز رستاخیز که آن‌ها برنامه‌ریزی کردند به داوری آن‌هایی که نقش مخالف یا منفی ایفا می‌کردند، یا آن‌هایی که کارهای بد انجام می‌دادند محدود نمی‌شد. بلکه، آن‌هایی که نقش مثبت ایفا کرده بودند نیز می‌بایستی با داوری مواجه شوند. آن‌ها با چه چیزی مواجه می‌شدند؟ این‌جا مثالی می‌آورم. درحالی که در طول اصلاح-فا ممکن است نقش مثبتی ایفا کرده باشید، این سؤال باقی می‌ماند: آیا مسئولیت‌های‌تان را تا آخرین درجه به‌انجام رساندید؟ مثال دیگر این است که، آن‌هایی که این‌جا آمدید تا مرید دافا باشید: عهدی که بستید چه بود؟ آیا آن عهد را محترم شمردید؟ خدای آفریدگار از شما چه چیزی می‌خواست؟ آیا شما بر طبق خواست خدای آفریدگار عمل کردید؟ اگر عهد اولیه‌تان را محترم نشمردید یا بر طبق خواست خدای آفریدگار عمل نکردید، پس آن‌چه را که قرار بوده انجام دهید کامل نکرده بودید و در واقع خدا را فریب داده بودید. از آن‌جا که بدین صورت باعث صدماتی به وضعیت محیط محلی‌تان در آن زمان، به پیشرفت اصلاح-فا، و به موجودات ذی‌شعوری که در نتیجه نجات نیافتند شده بودید، و در نتیجه به سطوح مختلف کیهان آسیب رسانده یا نابود کرده بودید، شما پاسخ‌گو می‌بودید. دیروز در مورد این صحبت کردم، و می‌بایستی امروز این را برای شما تکرار می‌کردم که مبادا به‌طور غلطی انتشار یابد. قبلاً در این مورد صحبت نکردم و نخواستہ بودم وارد این موضوع شوم، چراکه می‌دانم همگی شما بسیار زیاد انجام داده‌اید. اما نهایتاً، بدون توجه به این که چگونه می‌خواهید موضع خود را در برابر اصلاح-فا مشخص کنید و با اصلاح-فا و خودتان مواجه شوید، اگر نتوانید خوب عمل کنید، واقعاً پاسخ‌گو در نظر گرفته خواهید شد.

سپس، می‌توانید برگه‌ها را بالا بفرستید و من به پرسش‌های‌تان پاسخ خواهم داد. (تشویق)